



خلاصه مدیریتی طرح پژوهشی

مطالعات بازار کار، شناسایی و تعیین اولویت نیازهای آموزش فنی و حرفه‌ای کارجویان و شاغلین در سواحل مکران

کارفرما:

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

مجری:

دانشگاه علامه طباطبائی

(پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی)

مسئول علمی و اجرایی پژوهش:

دکتر بهروز روستاخیز؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

(اسفند ماه ۱۴۰۲)

چکیده

به دلیل توجه ویژه‌ای که در سال‌های اخیر به ظرفیت‌های توسعه‌ای و اشتغال‌زای پهنه ساحلی مکران در اسناد توسعه‌ای کشورمان شده است، برای جلوگیری از عدم‌توازن بین عرضه و تقاضای مهارت و مشکلاتی که ممکن است این عدم‌توازن در پی داشته باشد، طرح حاضر با هدف اصلی «گردآوری و تحلیل نظام اطلاعات بازار کار سواحل مکران، و کاربست مدلی علمی و کاربردی جهت تعیین اولویت نیازهای آموزش فنی و حرفه‌ای کارجویان و شاغلین پهنه مذکور» انجام یافته است. برای تحقق این هدف در انجام پژوهش از آمیخته دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. در این پژوهش، براساس اطلاعات حاصل از تحلیل کیفی اسناد و منابع کتابخانه‌ای و تحلیل کمی داده‌های به‌دست‌آمده از پاسخ‌های کارجویان و شاغلین و خبرگان به پرسشنامه‌های محقق‌ساخته پژوهش، ظرفیت‌های توسعه‌ای اشتغال‌زای منطقه اولویت‌بندی گردیده است. علاوه بر این، بازیگران زیست‌بوم اشتغال منطقه و ویژگی‌های نیروی کار منطقه و به‌طور کلی نظام اطلاعات کار منطقه معرفی شده و چشم‌اندازی از زیست‌بوم اشتغال پهنه ساحلی مکران ارائه گردیده است. همچنین به‌منظور امکان‌سنجی برگزاری دوره‌های آموزش مهارتی، پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های برگزاری دوره‌ها بررسی و احصا گردیده که از جمله آن‌ها می‌توان به این عوامل اشاره کرد که در صورت در نظر گرفته شدن در برنامه‌ریزی دوره‌های آموزش مهارتی به‌عنوان پیش‌ران برگزاری موفقیت‌آمیز دوره‌ها و در غیر این صورت به‌عنوان پس‌ران عمل می‌کنند: کارآمدی نیروی انسانی؛ حمایت‌های اقتصادی؛ مطلوبیت اطلاع‌رسانی؛ آموزش نیازسنجی‌شده؛ زیرساخت‌ها، فضا و امکانات. در نهایت، گروه‌ها و دوره‌های آموزش مهارتی براساس اولویت و به‌تفکیک خوشه‌های چهارگانه مهارتی پیشنهاد شده‌اند. براین‌اساس مهم‌ترین گروه‌های مهارتی پیشنهادی به تفکیک خوشه‌های مهارتی بدین‌ترتیب بوده است: در بخش خدمات، (۱) فناوری ارتباطات و اطلاعات؛ (۲) هتل‌داری و گردشگری؛ (۳) خدمات آموزشی؛ (۴) مراقبت و زیبایی؛ (۵) بهداشت و ایمنی؛ در بخش صنعت، (۱) صنایع خودرو؛ (۲) صنعت نفت، گاز و پتروشیمی؛ (۳) حمل‌ونقل؛ (۴) صنعت ساختمان؛ (۵) صنایع برق و الکترونیک؛ در بخش کشاورزی، (۱) امور باغی، زراعی و محصولات کشاورزی؛ (۲) شیلات و آبی‌پروری؛ (۳) امور دام و ماکیان؛ (۴) صنایع غذایی؛ (۵) فناوری محیط زیست و زیست‌فناوری؛ و در بخش فرهنگ و هنر، (۱) صنایع دستی (دوخت‌های سنتی)؛ (۲) صنعت ورزش و سرگرمی؛ (۳) فناوری‌های فرهنگی و صنعت چاپ؛ (۴) جواهرسازی و هنرهای تزئینی؛ (۵) هنرهای تجسمی. در پایان، راهکارهایی نیز برای مقابله با پس‌ران‌ها و بهره‌گیری بهتر از پیش‌ران‌ها مطرح شده است از جمله: راهکارهایی در خصوص افزایش دسترس‌پذیری مکان برگزاری کلاس‌ها؛ افزایش انعطاف‌پذیری زمان برگزاری دوره‌های آموزش مهارتی؛ نیازسنجی مستمر منطقه‌ای و فرهنگی؛ برنامه‌ریزی با در نظر داشتن حساسیت‌های ناشی از ویژگی‌های خاص قومی و مذهبی؛ استفاده از رسانه‌های مناسب بومی برای ارتقاء فرهنگ کار در منطقه؛ راهکارهایی چون فعال‌سازی و تقویت ظرفیت‌های اشتغال‌زای روستایی برای مقابله با تهدید مهاجرت فزاینده نیروی انسانی از روستاها به شهرها؛ و تدوین قوانین منطبق با اعتقادات و فرهنگ بومی.

۱. مقدمه

مسئله اشتغال در ایران هم‌مانند بسیاری از کشورهای دنیا همواره یکی از دغدغه‌های مهم سیاست‌گذاران بوده است و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سیاست‌هایی برای کاهش نرخ بیکاری اتخاذ کرده‌اند. بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف طبیعی و اقلیمی کشورمان که بخش چشمگیری از آن در پهنه ساحلی مکران قرار دارد، یکی از راهکارهای مؤثر در کاهش نرخ بیکاری در منطقه مزبور و استان‌های هم‌جوار و همچنین گامی در راستای توسعه منطقه‌ای و ملی است. پهنه ساحلی مکران در جنوب شرق ایران، ظرفیت‌های عظیمی در حوزه نفت، گاز و انرژی و نیز کشاورزی، شیلات و بازرگانی بین‌المللی دارد و با موقعیت و مزایای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خود می‌تواند ایران را به یکی از بازیگران اصلی عرصه ژئوپولیتیک انرژی تبدیل کند. در مجموع این منطقه می‌تواند هاب گاز، نفت و انرژی و قطب صنایع دریامحور و به‌طور کلی یکی از قطب‌های توسعه و اشتغال کشور به‌شمار آید. اما لازمه ایجاد زیست‌بوم اشتغالی پویا و اثرگذار در توسعه محلی و ملی، بهره‌گیری از سرمایه انسانی ماهر است که به‌عنوان مکمل سرمایه‌های طبیعی و اقتصادی در ایجاد و پویایی زیست‌بوم اشتغال نقش‌آفرینی می‌کند. توانمندسازی نیروی انسانی بومی و مهاجرین ساکن در سواحل مکران با آموزش‌های مهارتی توسعه‌محور و متناسب با نیازهای بازار کار منطقه در مراکز آموزش مهارتی از جمله آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای محقق می‌شود. بنابراین، با توجه به اهمیت کنشگری مطلوب آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای در زیست‌بوم اشتغال، پژوهش حاضر در پی طراحی مدلی علمی و کاربردی برای شناسایی و اولویت‌بندی آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای منطبق بر نیازها و امکانات زیست‌بوم اشتغال منطقه‌ای سواحل مکران بوده است.

از آنجا که لازمه حیات روبه‌رشد و پویایی زیست‌بوم، شناخت شرایط زیست‌بوم و نقش‌آفرینی مطلوب تمام اعضا و کنشگران در تعامل با یکدیگر است، در ابتدا آگاهی از وضعیت موجود زیست‌بوم و شناسایی نظام اطلاعات بازار کار منطقه، نیازهای مهارتی زمینه‌ای و نیازهای مهارتی کنشگران اشتغال‌زای زیست‌بوم و اولویت‌بندی این نیازها ضروری می‌نماید. اولویت‌بندی این نیازها نیز براساس میزان نیاز مشاغل و نیروی کار و امکان‌سنجی برآورده‌سازی این نیازها انجام می‌گیرد. بنابراین، پژوهش حاضر ابتدا نمایی از زیست‌بوم اشتغال منطقه مکران و نظام اطلاعات بازار کار منطقه ارائه می‌دهد؛ سپس چشم‌اندازی از زیست‌بوم اشتغال منطقه ترسیم می‌کند و با تحلیل اسناد و مستندات مربوط، نظرات نخبگان، ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان و تحلیل دینامیک اشتغال، نیازهای آموزشی و مهارتی زیست‌بوم اشتغال منطقه را احصا و اولویت‌بندی می‌کند. پس از آن براساس منابع فوق‌الذکر امکان‌سنجی می‌نماید تا در نهایت با پیشنهاد راهکارهایی علمی و کاربردی به طراحی نیازسنجی‌شده دوره‌های آموزشی و مهارتی کمک کند.

۲. روش‌شناسی

گروه پژوهش در انجام این پژوهش روش‌های کیفی و کمی تحقیق را توأمأً به کار گرفته است. در این روش، وجود آمیخته و ترکیبی از ویژگی‌های هر دو روش در تمامی مراحل تحقیق از گردآوری تا تحلیل داده‌ها در نظر گرفته شده است. مطابق با روش مذکور، در پژوهش پیش رو در بخش کیفی از تکنیک‌هایی همچون مطالعه و تحلیل اسناد و داده‌های موجود به‌علاوه تکنیک‌هایی نظیر گفت‌وگو و مصاحبه برای گردآوری داده‌های کیفی استفاده شده است. داده‌های بخش اسنادی که از مطالعه قوانین و اسناد بالادستی، اسناد و برنامه‌های توسعه بخشی و فرابخشی، مدارک و گزارش‌های آماری-عملکردی، و... و نیز بررسی مطالعات علمی و پژوهش‌های کاربردی انجام‌شده به دست آمده‌اند، مبنای تحلیل نهایی آمیخته با یافته‌های بخش کمی قرار گرفته‌اند؛ علاوه بر این بخشی از آن‌ها به‌عنوان

مبنایی برای طراحی روش و ابزارهای مورد استفاده در روش کمی از جمله پرسشنامه‌های سه گروه جامعه آماری پژوهش قرار گرفته‌اند. جامعه آماری مذکور شامل این گروه‌ها بوده است: یک) خبرگان، صاحب‌نظران و کارگزاران توسعه سواحل مکران؛ دو) کارجویان یا متقاضیان کار در شهرستان‌های ساحلی منطقه مکران؛ و سه) شاغلین مستقر در شهرستان‌های ساحلی منطقه مکران. در حقیقت، تلاش داشته‌ایم با پرسش‌نامه‌های مذکور به اطلاعاتی درباره نظام اطلاعات بازار کار، پیش‌بینی نیازهای مهارتی، اولویت‌بندی نیازهای آموزش مهارتی، و امکان‌سنجی ارائه آموزش‌های مهارتی نیز دست یابیم تا در کنار اطلاعات حاصل از تحلیل اسنادی و میدانی در بخش کیفی تحقیق، اهداف و دستاوردهای مورد انتظار طرح پژوهش محقق گردد.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در قالب ۶ فصل به تفصیل در طرح اصلی ارائه شده‌اند که در ادامه خلاصه‌ای از آن‌ها خواهد آمد.

۱,۳. نظام اطلاعات بازار کار پهنه ساحلی مکران

در پژوهش حاضر، پس از بررسی عوامل محیطی و زمینه‌ای و بستر ساز اشتغال در پهنه ساحلی مکران، به صورت متمرکزتر به بررسی نظام اطلاعات بازار کار در این منطقه پرداخته شده است تا از این طریق ضمن تبیین نظام عرضه و تقاضای نیروی کار در منطقه، نیازهای مهارتی زیست‌بوم اشتغال منطقه و نیازهای آموزش مهارتی بازیگران این زیست‌بوم احصا گردد.

۱,۳,۱. روند عرضه و تقاضای نیروی کار

میانگین نرخ مشارکت اقتصادی مجموع پهنه ساحلی مکران در بازه زمانی سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۹، ۳۹/۴ بوده که از میانگین کشوری در این بازه زمانی ۱/۶ پایین‌تر بوده است. با توجه به این آمار می‌توان گفت عرضه نیروی کار در پهنه ساحلی مکران تفاوت زیادی با میانگین کل کشور نداشته و از مطلوبیت نسبی برخوردار بوده است. به علاوه در بررسی شاخص دیگر نیروی کار، نرخ بیکاری، براساس اطلاعات به دست آمده از سالنامه‌های آماری دو استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان، مشخص شد میانگین نرخ بیکاری در پهنه ساحلی مکران در بازه زمانی سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱، نسبت به نرخ بیکاری در کشور در این بازه زمانی ۳/۵۶ بیشتر بوده و حتی استان هرمزگان در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ رتبه اول را از حیث نرخ بیکاری به طور کلی و از نظر نرخ بیکاری جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله داشته است. این آمار نشان از نبود تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار بومی در منطقه دارد که می‌تواند ناشی از نبود مهارت لازم در نیروی کار باشد. این عدم تعادل در حالی است که چنان‌که گفته شد، ظرفیت‌های اشتغال‌زای زیادی در منطقه وجود دارد که در اسناد توسعه‌ای نیز به آن‌ها اشاره شده است.

۱,۳,۲. ظرفیت‌های اشتغال‌زای پهنه ساحلی مکران بر اساس اسناد توسعه‌ای

بر اساس اسناد توسعه‌ای بررسی شده در این پژوهش، ظرفیت‌های اشتغال‌زای موجود در منطقه که در صورت اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بیش از پیش، فعال می‌شوند به ترتیب در بخش‌های صنعت، خدمات، کشاورزی و فرهنگ و هنر است. حسب تحلیل اسناد مورد بررسی، در بخش صنعت بیشترین تأکید بر گروه صنایع آب‌بر و انرژی‌بر، در بخش خدمات بر آموزش و پژوهش، در بخش کشاورزی بر شیلات و آبی‌پروری، و در بخش فرهنگ و هنر بر صنایع دستی است. در نتیجه، در این موضوعات، بیشترین امکان اشتغال‌زایی در کوتاه‌مدت

تا بلندمدت وجود دارد و برنامه‌ریزی برای آموزش‌های مهارتی نیز لازم است با توجه به همین اولویت‌ها انجام شود تا تعادل بین عرضه و تقاضای مهارت در بازار کار حفظ شود.

۳,۱,۳. سهم اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی

بررسی سهم اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی از حیث تطابق ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل هر بخش با اشتغال موجود در آن اهمیت دارد. بیشترین سهم اشتغال در کشور در بازه زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ به بخش خدمات و سپس صنعت و بعد کشاورزی اختصاص داشته است. در دو استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان نیز وضعیتی مشابه مشاهده می‌شود. خبرگان بخش خدمات معتقد بودند در این بخش به ترتیب احتمال اشتغال‌زایی در حوزه‌های هتل‌داری و گردشگری، مالی و بازرگانی، و صنایع پوشاک بیش از سایر حوزه‌هاست. به نظر خبرگان بخش صنعت به ترتیب احتمال اشتغال‌زایی در صنعت پتروشیمی، صنعت ساختمان و معماری، و حمل‌ونقل زمینی بیش از سایر حوزه‌هاست. خبرگان بخش کشاورزی ترتیب احتمال اشتغال‌زایی در حوزه‌های این بخش را بدین شکل ابراز کرده‌اند: امور شیلات و آبی‌پروری؛ امور باغی، زراعی و محصولات کشاورزی؛ و صنایع غذایی. خبرگان بخش فرهنگ و هنر نیز پیش‌بینی کردند احتمال اشتغال‌زایی به ترتیب در حوزه‌های صنعت ورزش و سرگرمی، صنایع دستی (دوخت‌های سنتی)، و صنایع دستی (بافت، فرش و...) است.

۳,۲. ترسیم چشم‌اندازی از زیست‌بوم اشتغال پهنه ساحلی مکران

در بررسی اسناد بالادستی با تمرکز بر سه سند «توسعه منطقه ساحلی مکران»، «سند آمایش استان سیستان و بلوچستان» و «سند آمایش استان هرمزگان» این نتیجه حاصل شد که اولویت‌بندی عرضه اشتغال بدین ترتیب بوده است: خدمات، کشاورزی، و فرهنگ و هنر. اما بررسی آماری سهم اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد، سهم اشتغال برای این جمعیت در بخش‌های اقتصادی چهارگانه در آینده بدین ترتیب خواهد بود: خدمات، صنعت، کشاورزی، و فرهنگ و هنر. از میان خبرگانی که به پرسشنامه‌های این پژوهش پاسخ گفتند نیز تنها خبرگان بخش خدمات جایگاه بخش خدمات و صنعت در ترتیب فوق را از نظر احتمال اشتغال‌زایی در آینده جابه‌جا کردند و معتقد بودند صنعت در جایگاه اول و خدمات در جایگاه دوم خواهد بود. در مجموع می‌توان گفت بر اساس منابع بررسی‌شده، تقاضای بازار کار در آینده در زیست‌بوم اشتغال پهنه ساحلی مکران بیشتر در حوزه خدمات، سپس صنعت، و پس از آن به ترتیب در حوزه‌های کشاورزی و فرهنگ و هنر خواهد بود.

از سوی دیگر، آمار تعداد آموزش‌دیدگان مراکز ثابت اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای که در سالنامه‌های آماری ارائه شده، نشان می‌دهد در آینده عرضه نیروی کار بیشتر در بخش صنعت، سپس خدمات و بعد به ترتیب در دو بخش کشاورزی و فرهنگ و هنر خواهد بود. از نظر ارتباط کارجویان دارای مدارک مختلف تحصیلی با بخش‌های مختلف اقتصادی براساس اطلاعات ثبت‌شده آنان در سامانه ملی کار، رشته‌های دارندگان مدرک دیپلم و زیردیپلم به ترتیب با بخش‌های صنعت و خدمات در ارتباط بوده و بعد با دو بخش فرهنگ و هنر و کشاورزی به یک میزان مرتبط بوده است. اما رشته‌های دارندگان مدرک کاردانی به ترتیب با بخش‌های خدمات، صنعت، فرهنگ و هنر و کشاورزی در ارتباط بوده و رشته‌های دارندگان مدارک کارشناسی و کارشناسی‌ارشد هر دو به ترتیب به بخش‌های خدمات، صنعت، کشاورزی و فرهنگ و هنر مرتبط بوده است. در مجموع، براساس منابع بررسی‌شده، پیش‌بینی می‌شود عرضه نیروی کار بیشتر بدین ترتیب در بخش‌های چهارگانه اقتصادی صورت گیرد: خدمات، صنعت، کشاورزی، و فرهنگ و هنر.

با توجه به چشم‌انداز ترسیم‌شده از وضعیت عرضه و تقاضا در بازار کار آینده منطقه، این انتظار وجود دارد که بازیگران عمده زیست‌بوم اشتغال پهنه ساحلی مکران در آینده به‌ترتیب بیشتر ماهیت خدماتی، صنعتی، کشاورزی، و فرهنگی و هنری داشته باشند؛ در حالی که به نظر می‌رسد بیشتر بازیگران زیست‌بوم اشتغال منطقه ماهیت صنعتی دارند. بنابراین، برای حفظ تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار کار آینده نقش‌آفرینی پررنگ‌تر بازیگران حوزه خدمات مثل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و نهادهای آموزشی که پرورش نیروی انسانی ماهر را برعهده دارند، ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش البته به‌طور دقیق‌تر و به‌تفکیک بخش‌های اقتصادی به اولویت‌بندی نیازهای آموزش‌های مهارتی پرداخته شده است که به‌منظور تداوم حیات زیست‌بوم اشتغال و حفظ تعادل آن لازم است در منطقه ارائه گردد. این اولویت‌ها در ادامه ذکر خواهد شد، اما ابتدا وضعیت نیاز به آموزش مهارتی در منطقه بررسی می‌شود.

۳,۳. وضعیت نیاز به آموزش مهارتی در پهنه ساحلی مکران

۱,۳,۳. وضعیت نیاز به آموزش مهارتی در کارجویان

در مجموع، براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌هایی که کارجویان شرکت‌کننده در این پژوهش به آن پاسخ دادند و نیز اطلاعاتی که کارجویان در سامانه ملی کار ثبت کرده‌اند، وضعیت نیاز به آموزش مهارتی کارجویان در پهنه ساحلی مکران به‌طور خلاصه در ادامه می‌آید.

- نیاز احساس و بیان‌شده کارجویان به آموزش مهارتی در سطح پایینی است چون اغلب کارجویان در دوره‌های مهارت‌آموزی در آموزشگاه‌های مهارت‌آموزی یا فنی و حرفه‌ای منطقه مکران شرکت نکرده‌اند و در طول دوران تحصیل خود در مقاطع مختلف، دوره یا دوره‌های آموزش مهارتی یا فنی و حرفه‌ای خاصی را نگذرانده‌اند. کارجویانی که تجربه مهارت‌آموزی در مؤسسات و آموزشگاه‌های مهارت‌آموزی یا فنی و حرفه‌ای منطقه مکران داشته‌اند نیز تنها یک‌بار در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند.
- نیاز هنجاری کارجویان یا نیاز احساس‌شده کارفرمایان در سطح پایینی است؛ چون از اغلب کارجویانی که برای به‌دست‌آوردن یا ارتقای شغلی اقدام کرده‌اند، گواهی مهارتی خواسته نشده و امتحان مهارتی گرفته نشده است.
- نیاز صرفاً احساس‌شده کارجویان در سطح بالایی است؛ چون اغلب آن‌ها میزان ضرورت شرکت در دوره‌های مهارتی را زیاد و خیلی زیاد می‌دانند.
- نیاز صرفاً احساس‌شده کارجویان به خوشه مهارتی خدمات بیش از سایر خوشه‌های مهارتی است؛ چون اکثر دوره‌های آموزش مهارتی یا فنی و حرفه‌ای که از نظر آن‌ها برای اشتغال مورد نیاز است به خوشه خدمات مربوط است.
- نیاز احساس و بیان‌شده کارجویان نیز به خوشه مهارتی خدمات بیش از سایر خوشه‌ها بوده است؛ چون بیشتر کارجویان ثبت‌نام‌شده در سامانه ملی کار برای اشتغال در بخش خدمات و بیشتر برای دو شغل «امور اداری و دفتری» و «نگهبانی و خدمات» تقاضا داده‌اند که هر دو متعلق به خوشه خدمات هستند و بیشتر آن‌ها دوره «مهارت‌های نرم‌افزاری کامپیوتر» را گذرانده‌اند که به بخش اقتصادی یا خوشه مهارتی خدمات تعلق دارد. اغلب دوره‌های دیگر گذرانده‌شده توسط کارجویان نیز به خوشه خدمات مربوط بوده است.

کارجویانی که تجربه مهارت‌آموزی در مؤسسات و آموزشگاه‌های مهارت‌آموزی یا فنی و حرفه‌ای منطقه مکران را داشتند نیز اغلب در خوشه خدمات مهارت‌آموزی کرده‌اند.

۲,۳,۳. وضعیت نیاز به آموزش مهارتی در شاغلین

در مجموع، براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از پاسخ‌های شاغلین مشارکت‌کننده در این پژوهش و نیز سایر اطلاعاتی که درباره این گروه در دسترس پژوهشگران بوده است، وضعیت نیاز به آموزش مهارتی شاغلین در پهنه ساحلی مکران به‌طور خلاصه در ادامه می‌آید.

- سطح نیاز احساس و بیان‌شده اکثر شاغلین به آموزش مهارتی و در تمامی بخش‌های اقتصادی در سطح پایینی است، چون: (۱) اکثر شاغلین جامعه نمونه پژوهش تجربه مهارت‌آموزی در مؤسسات و آموزشگاه‌های مهارت‌آموزی یا فنی و حرفه‌ای منطقه مکران را نداشته‌اند؛ (۲) اکثر شاغلین کل جامعه نمونه در تمامی بخش‌های اقتصادی تجربه گذراندن دوره مهارتی برای راه‌اندازی، به‌دست‌آوردن یا ارتقاء شغلی، به‌طور داوطلبانه و خودخواسته نیز نداشته‌اند؛ (۳) بیش‌تر شاغلینی که تجربه مهارت‌آموزی داشته‌اند تنها یک‌بار در دوره‌های مهارت‌آموزی در مؤسسات آموزش مهارتی یا فنی و حرفه‌ای شرکت کرده‌اند.

- سطح نیاز هنجاری شاغلین یا نیاز احساس‌شده کارفرمایان در مجموع در حد پایینی است؛ ولی این نیاز در شاغلین دو بخش خدمات و فرهنگ و هنر سطح بالاتری دارد. دلایل این ادعا به این شرح است: (۱) برای اغلب شاغلین از تمامی بخش‌های اقتصادی که در مصاحبه برای به‌دست‌آوردن یا ارتقاء شغلی شرکت کرده‌اند، پیش‌نیامده که با وجود داشتن مدرک تحصیلی مرتبط به‌دلیل نداشتن مهارت پذیرفته نشوند؛ (۲) از بیش‌تر شاغلینی که برای به‌دست‌آوردن یا ارتقای شغلی اقدام کرده‌اند، به‌استثنای شاغلین بخش خدمات و فرهنگ و هنر، گواهی شرکت در دوره‌های آموزش مهارتی یا فنی و حرفه‌ای خواسته نشده است؛ (۳) از اکثر شاغلینی که برای به‌دست‌آوردن یا ارتقای شغلی اقدام کرده‌اند، به‌جز شاغلین بخش خدمات، و فرهنگ و هنر، امتحانی برای سنجش مهارتشان گرفته نشده است؛ (۴) بیش‌تر شاغلین دارای کارفرما از سوی محل کار خود ملزم به گذراندن دوره مهارتی یا فنی و حرفه‌ای نشده‌اند؛ (۵) بیش‌تر شاغلین خوداشتغال هم برای کسب یا تمدید مجوز فعالیت‌شان ملزم به گذراندن دوره مهارتی یا فنی و حرفه‌ای نشده‌اند.

- نیاز صرفاً احساس‌شده شاغلین به‌جز برای شاغلین بخش کشاورزی و فرهنگ و هنر در سطح بالایی بوده است؛ چون میزان ضرورت شرکت در دوره‌های آموزش مهارتی پیش از ورود به مشاغل از نظر اکثر شاغلین در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است. علاوه‌بر این، گذراندن دوره‌های مهارتی یا فنی و حرفه‌ای به اعتقاد بیش‌تر شاغلین در همه بخش‌های اقتصادی، به‌جز بخش کشاورزی، در موفقیت شغلی آن‌ها در سطح زیاد و خیلی زیاد مؤثر است. اکثر شاغلین بخش کشاورزی گذراندن دوره‌های مهارتی یا فنی و حرفه‌ای را در موفقیت شغلی اصلاً مؤثر نمی‌دانند. همچنین بیش‌تر شاغلین ضرورت حضور در دوره‌های آموزش مهارتی در حین اشتغال را زیاد دانسته‌اند. دلیل دیگر این‌که اکثر شاغلین، به‌جز شاغلین بخش کشاورزی و فرهنگ و هنر، معتقدند لازم است ارتقای شغلی براساس گذراندن دوره مهارتی یا فنی و حرفه‌ای باشد. شاغلین بخش کشاورزی و فرهنگ و هنر لزوم ارتقای شغلی براساس گذراندن دوره مهارتی یا فنی و حرفه‌ای را تا حدودی دانسته‌اند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۴,۱. اولویت‌های آموزش مهارتی کارجویان و شاغلین

براساس جمع‌بندی اولویت‌های آموزشی احصاشده از دیدگاه کارجویان، شاغلین و سایر بازیگران اجرایی در زیست‌بوم اشتغال پهنه ساحلی مکران و نیز مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای در این پژوهش و بنابر نیازهای احساس شده، بیان شده و هنجاری بازیگران زیست‌بوم اشتغال در پهنه ساحلی مکران، اولویت‌های آموزش مهارتی کارجویان و شاغلین در پهنه ساحلی مکران را به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی یا خوشه‌های چهارگانه مهارتی را می‌توان به ترتیبی دانست که در ادامه ذکر می‌شود.

۴,۱,۱. اولویت‌های آموزش مهارتی کارجویان و شاغلین بخش خدمات

- اولویت اول: گروه مهارتی فناوری ارتباطات و اطلاعات
- اولویت دوم: گروه مهارتی هتل‌داری و گردشگری
- اولویت سوم: گروه مهارتی خدمات آموزشی
- اولویت چهارم: گروه مهارتی مراقبت و زیبایی
- اولویت پنجم: گروه مهارتی بهداشت و ایمنی

۴,۱,۲. اولویت‌های آموزش مهارتی کارجویان و شاغلین بخش صنعت

- اولویت اول: گروه مهارتی صنایع خودرو (با تأکید بر حوزه تعمیرات و نگهداری)
- اولویت دوم: گروه مهارتی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی
- اولویت سوم: گروه مهارتی حمل‌ونقل
- اولویت چهارم: گروه مهارتی صنعت ساختمان
- اولویت پنجم: گروه مهارتی صنایع برق و الکترونیک

۴,۱,۳. اولویت‌های آموزش مهارتی کارجویان و شاغلین بخش کشاورزی

- اولویت اول: امور باغی، زراعی و محصولات کشاورزی
- اولویت دوم: شیلات و آبی‌پروری
- اولویت سوم: امور دام و ماکیان
- اولویت چهارم: صنایع غذایی
- اولویت پنجم: فناوری محیط زیست و زیست‌فناوری

۴,۱,۴. اولویت‌های آموزش مهارتی کارجویان و شاغلین بخش فرهنگ و هنر

- اولویت اول: صنایع دستی
- اولویت دوم: صنعت ورزش و سرگرمی
- اولویت سوم: فناوری‌های فرهنگی و صنعت چاپ
- اولویت چهارم: جواهرسازی و هنرهای تزئینی
- اولویت پنجم: هنرهای تجسمی

۴,۲. مهم‌ترین پیش‌ران‌ها (نقاط قوت) و پس‌ران‌های (چالش‌ها) برگزاری دوره‌های آموزش مهارتی در پهنه ساحلی مکران

در پژوهش انجام‌شده، پس از ارائه اولویت‌های پیشنهادی برای آموزش مهارتی کارجویان و شاغلین در پهنه ساحلی مکران، همچنین پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های برگزاری دوره‌های پیشنهادی بررسی شده است تا امکان برگزاری دوره‌های پیشنهادی ارزیابی شود. پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های شرکت در آموزش‌های مهارتی در این پژوهش براساس پاسخ خبرگان، کارجویان و شاغلین جامعه نمونه و منابعی چون اسناد توسعه‌ای بررسی شده است. رئوس کلی موارد احصاء‌شده، عبارتند از:

- کارآمدی نیروی انسانی
- حمایت‌های اقتصادی
- مطلوبیت اطلاع‌رسانی
- آموزش نیازسنجی‌شده
- زیرساخت‌ها، فضا و امکانات
- برنامه‌ریزی آموزشی مناسب

موارد فوق‌الذکر در واقع همه پیش‌ران‌هایی هستند که در صورت بی‌توجهی به استفاده از آن‌ها به‌عنوان پس‌ران عمل می‌کنند. علاوه بر این‌ها، نقاط ضعف و تهدیدهایی نیز می‌توان برشمرد که ممکن است مانع موفقیت برگزاری دوره‌های آموزش مهارتی گردد. در پژوهش حاضر، ضمن برشمردن نقاط قوت و فرصت‌هایی که می‌توان با تقویت و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها موفقیت برگزاری دوره‌های آموزش مهارتی را تسهیل کرد، با بهره‌گیری از نتایج تجربیات پژوهشی پیشین راهکارهایی نیز برای مواجهه با نقاط ضعف و تهدیدهایی که ذکر می‌شود، پیشنهاد شده است؛ که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره داشت: راهکارهایی درخصوص افزایش دسترس‌پذیری مکان برگزاری کلاس‌ها؛ افزایش انعطاف‌پذیری زمان برگزاری دوره‌های آموزش مهارتی؛ نیازسنجی مستمر منطقه‌ای و فرهنگی؛ برنامه‌ریزی با درنظرداشتن حساسیت‌های ناشی از ویژگی‌های خاص قومی و مذهبی؛ استفاده از رسانه‌های مناسب بومی

برای ارتقاء فرهنگ کار در منطقه؛ راهکارهایی چون فعال‌سازی و تقویت ظرفیت‌های اشتغال‌زای روستایی برای مقابله با تهدید مهاجرت فزاینده نیروی انسانی از روستاها به شهرها؛ و تدوین قوانین منطبق با اعتقادات و فرهنگ بومی.

جدول ۱. ماتریس نقاط قوت / ضعف و فرصت‌ها / تهدیدهای نظام آموزش مهارتی در پهنه ساحلی مکران

نقاط قوت	نقاط ضعف
<p>کارآمدی مدرسین</p> <p>مناسب بودن هزینه‌های شرکت در دوره‌های آموزش مهارتی</p> <p>اطلاع‌رسانی مناسب برگزاری دوره‌های آموزشی</p> <p>تناسب آموزش‌های مهارتی با نیازهای بازار کار</p> <p>زیرساخت‌ها، فضا و امکانات مؤسسه آموزشی</p> <p>طول مدت مناسب دوره‌ها</p>	<p>دسترسی‌پذیری نامناسب مکان برگزاری کلاس‌ها</p> <p>نامناسب بودن زمان برگزاری دوره‌ها</p> <p>نامتناسب بودن آموزش‌های بخش کشاورزی با نیازهای بازار کار</p> <p>نامتناسب بودن آموزش‌ها با نیازهای جنسیتی بازار کار (به‌ویژه در بخش کشاورزی)</p>
فرصت‌ها	تهدیدها
<p>ظرفیت‌های اشتغال‌زای منطقه</p> <p>ورود نیروی کار مهاجر به منطقه و ضرورت رفع نیازهای آن‌ها</p> <p>سهم بیشتر جمعیت روستایی نسبت به شهری</p> <p>سرمایه‌گذاری‌های برون‌منطقه‌ای در منطقه</p> <p>رفت‌وآمدهای تجاری به منطقه</p> <p>ساختار جمعیتی جوان در منطقه</p>	<p>شرایط نامطلوب شاخص‌های اقتصادی</p> <p>تاثیر تحریم‌ها و محدودیت‌های رشد اقتصادی</p> <p>آسیب‌دیدگی فرهنگ کار در منطقه</p> <p>محدودیت‌های ناشی از حساسیت‌های خاص قومی و مذهبی</p> <p>مهاجرت فزاینده نیروی انسانی از روستاها به شهرها</p> <p>نبود قوانین منطبق با اعتقادات و فرهنگ بومی</p>